کشف حدود ۲ تن تریاک در سیستان و بلوچستان

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از کشف یک تن و ۸۶۰ کیلو تریاک در درگیری با قاچاقچیان مسلح و دستگیری دو قاچاقچی حرفه‌ای خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی گفت: مأموران انتظامی شهرستان‌های سیب، سوران و سراوان از دپو مواد مخدر در ارتفاعات منطقه پدگان باخبر و با سوداگران مرگ درگیر شدند. وی ادامه داد: اعضای این باند مسلح که توان مقابله با آتش پرحجم پلیس را نداشتند با به جا گذاشتن محموله مواد مخدر و استفاده از تاریکی شب و کوهستانی بودن منطقه، متواری شده و مأموران در پاکسازی منطقه درگیری، یک تن و ۵۳۵ کیلو تریاک کشف کردند. سردار رحیمی ادامه داد: مأموران انتظامی شهرستان‌های ایرانشهر، زاهدان و زهک با شناسایی دو قاچاقچی سابقه‌دار در بازرسی از یک دستگاه خودروی پراید و منزل این قاچاقچیان، ۳۲۵ کیلو تریاک را به همراه دو قبضه سلاح کلاش و مقادیری مهمات مربوطه کشف کردند.

خیانت به جنایت ختم شد

زن جوانی که با همدستی مرد همسایه، شوهرش را به قتل رسانده بود، بازداشت و به جرمش اعتراف کرد.

چندی قبل زن جوانی گم شدن ناگهانی شوهرش را به مأموران پلیس شهرستان بجنورد خبر داد. او گفت: شوهرم مثل هر روز به محل کارش رفت، اما دیگر به خانه برنگشت. گوشی تلفن همراهش خاموش است و احتمال می‌دهم اتفاق ناگواری برایش رقم خورده باشد.

بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات در این باره به جریان افتاد تا اینکه خبر رسید جسدی سوخته در دره‌ای اطراف شهر پیدا شده است. جسد که متعلق به مردی جوان بود به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات بعدی نشان داد که جسد متعلق به همان مردی است که همسرش گم شدن وی را گزارش داده است. بعد از کشف هویت مقتول پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل به جریان افتاد. در اولین گام همسر مقتول به عنوان مظنون تحت بازجویی قرار گرفت. او ابتدا گفت که از ماجرا خبر ندارد، اما بررسی تماس‌های وی نشان داد که از مدتی قبل با مرد همسایه رابطه دارد، به جرمش اعتراف کرد. او گفت: چندی قبل بود که با مرد همسایه وارد رابطه دوستی شدم. بعد از آن بود که به هم علاقه پیدا کرده و تصمیم به ادامه رابطه گرفتیم، اما شوهرم مانع این رابطه بود به خاطر همین تصمیم به قتل او گرفتیم. مطابق نقشه من او را با خوراندن ۴۰ قرص آرام‌بخش بیهوش کردم. بعد جسد را با کمک همدستم به صندوق عقب خودرو منتقل کردیم و به خارج از شهر بردیم. بعد در دره‌ای جسد را به آتش کشیدیم و به خانه برگشتیم.

با اعتراف متهم بود که مرد همسایه بازداشت شد و حرف‌های زن جوان را تأیید کرد.

حجت‌الاسلام قدرتی، رئیس کل دادگستری استان خراسان شمالی گفت: تحقیقات بیشتر در این‌باره جریان دارد.

دعوای خونین ۲ نوجوان

پسر نوجوانی که در جریان یک اختلاف نوجوان دیگری را در شهرستان فیروزآباد به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

این حادثه روز گذشته در بخش میمند شهرستان فیروزآباد در استان فارس اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند، معلوم شد که پسر نوجوان با اصابت ضربه چاقو مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است. عامل حادثه هم پسری ۱۸ ساله بود که ۱۵ دقیقه بعد از حادثه بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.

سرهنگ حسین ارجمندمزیدی، فرمانده انتظامی فیروزآباد گفت: متهم به جرمش اعتراف کرده و گفته است که به خاطر یک اختلاف قدیمی مرتکب قتل شده است. وی گفت: ادامه تحقیقات در این‌باره جریان دارد.

دزد بیمارستان‌های زاهدان بازداشت شد

مردی که متهم است به بیمارستان‌های شهرستان زاهدان دستبرد می‌زد، سرانجام به دام پلیس افتاد.

چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت وسایل از چند بیمارستان در شهرستان زاهدان به پلیس این شهر گزارش شد. بررسی‌های پلیس برای شناسایی سارق در این‌باره به جریان افتاد تا اینکه مأموران پلیس چند روز قبل با دیدن مردی که همراه یک تلویزیون در حال خارج شدن از بیمارستانی در این شهر بود، به او مظنون شدند. آن مرد ابتدا گفت که از کارکنان بیمارستان است، اما وقتی که دستش رو شد به سرقت تلویزیون اعتراف کرد. تحقیقات پلیس هم نشان داد که این مرد همان سارقی است که به بیمارستان‌های شهر دستبرد می‌زده است.

سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان گفت: متهم در تحقیقات تخصصی کارآگاهان پلیس به پنج فقره سرقت از بیمارستان‌های دولتی زاهدان اعتراف کرد و مأموران در ادامه ضمن کشف اموال مسروقه، شش متهم دیگر را به اتهام خرید اموال مسروقه دستگیر کردند.

۷ متهم به قتل به زندگی دوباره باز گشتند

هفت متهم به قتل، سحرگاه دیروز در زندان رجایی‌شهر هنگام اجرای حکم قصاص با میانجیگری قاضی شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران موفق به گرفتن رضایت و مهلت از اولیای دم شدند.

به گزارش خبرنگار ما، سحرگاه دیروز هفت مرد که متهم هستند در جریان حادثه‌های جداگانه در سال‌های گذشته مرتکب قتل شده‌اند برای اجرای حکم قصاص در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفتند. هفت متهم در حالی که قرار بود قصاص شوند با میانجیگری هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرا از چوبه دار فاصله گرفتند. هیئت صلح و سازش سحرگاه دیروز موفق شدند از اولیای دم مقتول‌ها برای این هفت متهم رضایت و مهلت بگیرند. بدین ترتیب متهمان دوباره به سلول‌های خود بازگشتند. یکی از متهمان پسر جوانی است که چهاردهم مهرماه سال ۹۱ در پارکی حوالی طرشت پسر ۱۷ ساله‌ای را در نزاعی مرگبار به قتل رساند. بررسی‌های مأموران نشان داد مقتول در یک درگیری دسته‌جمعی با ضربات چاقوی پسر جوانی به نام رحیم به قتل رسیده است. همچنین مشخص شد این درگیری بین دو پسر جوان دیگر به خاطر رقابت عشقی رقم خورده است که قاتل و مقتول برای طرفداری از دو پسر جوان وارد درگیری شده‌اند.

متهم پس از دستگیری با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و گفت من قصد قتل نداشتم، اما در درگیری با چاقو ضربه‌ای به مقتول زدم که الان هم پشیمان هستم.

یکی دیگر از قاتلانی که پای چوبه دار رفت، پسر جوان دیگری است که روز نهم فروردین ماه سال ۹۱ در نزاعی مرگبار مرتکب قتل شد. سومین قاتل هم اول آبان ماه سال ۸۹ در شهریار در نزاعی مردی را به قتل رساند و چهارمین متهم نیز بیستم بهمن ماه سال ۸۹ در قرچک ورامین همسرش را به خاطر اختلافی به قتل رساند. پنجمین قاتلی هم که از چوبه دار فاصله گرفت در تاریخ ۲ آبان ماه سال ۸۶ مرتکب قتل شده بود. ششمین و هفتمین قاتلی که سحرگاه دیروز از پای چوبه دار به سلولشان بازگشتند در دو حادثه جداگانه مرتکب قتل شده بودند.

درخواست رمز از شاکی راز سرقت‌های سریالی را برملا کرد

مجرم سابقه‌دار وقتی با گوشی تلفن همراه نامزدش برای اخاذی از شاکی با او تماس گرفت، فکر نمی‌کرد راز سرقت‌های سریالی‌اش خیلی زود برملا خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مأموران پلیس پایتخت در جریان سرقت‌های سریالی لوازم داخل خودرو در خیابان‌های شرقی تهران قرار گرفتند. تحقیقات میدانی مأموران نشان داد، سارق متهم حرفه‌ای و تکروی است که خودروی افراد پولدار را در خیابان‌های شرقی تهران تحت نظر می‌گیرد و در فرصت مناسب لوازم داخل خودرو مانند کیف و موبایل سرقت و بدون اینکه ردپایی از خود بجا بگذارد از محل فرار می‌کند. در حالی که هر روز به تعداد شاکیان سرقت‌های سریالی لوازم داخل خودرو افزوده می‌شد، مردی به اداره پلیس رفت و سرنخ مهمی را از سارق حرفه‌ای در اختیار مأموران پلیس قرار داد. شاکی گفت: من مهندس هستم و شرکت خصوصی دارم. شب قبل با خودروی ۲۰۶ خودم برای ملاقات یکی از دوستانم به شرکتش در یکی از خیابان‌های شرقی تهران رفتم. خودروام را داخل خیابان نزدیک شرکت دوستم پارک کردم و کیف دستی، لپ‌تاپ، هارد و مقداری لوازم دیگر و مدارکم را داخل صندوق عقب خودروام گذاشتم و خودم به شرکت دوستم رفتم. ساعتی بعد وقتی به محل پارک خودروام برگشتم، متوجه شدم سارقی به خودروام دستبرد زده و تمامی وسایل و مدارکم را سرقت کرده است.

■ تماس سارق با مالباخته

پس از آن به کلانتری محل رفتم و شکایتنامه‌ای هم تنظیم کردم تا اینکه ساعتی قبل مرد ناشناسی با تلفن همراهم تماس گرفت و گفت سارق لوازم خودروی من است. در حالی که به شدت شوکه شده بودم، تلفنش را قطع کردم و احتمال دادم یکی از دوستانم مرا دست انداخته، اما دقایقی بعد دوباره مرد ناشناس با من تماس گرفت و خیلی جدی خودش را سارق لوازم من معرفی کرد. سارق گفت که شماره تلفن همراهم را از دفترچه داخل مدارکم پیدا کرده و الان تماس گرفته تا مدارک و لوازم سرقتی را پس بدهد. خیلی تعجب کردم که سارقی قصد دارد مدارکم را پس دهد و بلافاصله از او تشکر کردم که سارق برای دادن مدارکم شرطی گذاشت. متهم به من گفت در صورتی مدارک و لوازم مرا پس می‌دهد که من رمز لپ‌تاپ و هاردم را به او بدهم. سارق پس از این به من ۱۰ دقیقه فرصت داد تا به پیشنهادش فکر کنم و قرار شد دوباره با من تماس بگیرد. وی ادامه داد: دقایقی بعد سارق لوازم خودروام دوباره با گوشی‌ام تماس گرفت که به او گفتم داخل لپ‌تاپ و هاردم عکس‌های و فیلم‌های شخصی و خانوادگی دارم به همین دلیل حاضر نیستم رمز عبور را در اختیار تو قرار بدهم. به او گفتم حاضرم به جای رمز عبور به تو پول بدهم تا مدارک و وسایل مرا به من پس بدهی، اما سارق قبول نکرد و تلفنش را قطع کرد. پس از این، او تلفن همراهش را خاموش کرد و دیگر من موفق نشدم با او حرفی بزنم.

■ سارق با تلفن همراه نامزدش با مالباخته تماس گرفته بود

با طرح این مأموران، پلیس آگاهی به دستور قاضی میروکیلی، دادیار دادسرای ناحیه ۳۴ تحقیقات فنی خود را برای شناسایی سارق حرفه‌ای آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان داد، شماره تلفنی که سارق با مالباخته تماس گرفته متعلق به دختر جوانی به نام مهشید است. بنابراین مأموران مهشید را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. مهشید در بازجویی‌ها گفت: سه ماه قبل از طریق شبکه اجتماعی تلگرام با پسر جوانی به نام فرشید آشنا شدم. او خودش را مهندس کامپیوتر معرفی کرد و مدعی شد قصد ازدواج دارد. پس از این ارتباط تلفنی ما ادامه داشت تا اینکه با هم نامزد شدیم و من هرگز فکر نمی‌کردم فرشید سارق است.

چند روز قبل با هم برای تفریح به پارکی رفتیم که آنجا مدعی شد تلفن همراهش شارژ ندارد و از من خواست تلفن همراهم را برای تماسی در اختیار او قرار دهم و من هم تلفن همراهم را به او دادم.

■ دستگیری سارق حرفه‌ای سابقه‌دار

مأموران پلیس با نشانی‌ها و مشخصاتی که دختر جوان به دست آوردند، دریافتند فرشید سارق حرفه‌ای و سابقه‌داری است که قبل از این بارها به جرم سرقت لوازم خودرو به زندان رفته و پس از آزادی دوباره دست به سرقت زده است. همچنین مشخص شد، فرشید هفت ماه قبل پس از سپری کردن دوران محکومیتش از زندان آزاد شده است. در نهایت مأموران موفق شدند در یک قرار صوری فرشید را بازداشت کنند.

■ اعتراف به ۲۰۰ سرقت سریالی

متهم پس از دستگیری در بازجویی‌ها به ۲۰۰ سرقت لوازم داخل خودرو در خیابان‌های شرقی تهران اعتراف کرد. وی درباره درخواست رمز عبور لپ‌تاپ مالباخته گفت: من در سرقت لوازم داخل خودرو حرفه‌ای هستم به طوری که پس از سرقت هیچ ردپایی از خودم به جا نمی‌گذارم، اما در آخرین سرقت طمع کردم و همین موضوع مرا گرفتار قانون کرد.

وقتی لپ‌تاپ و هارد سرقتی را به خانه بردم، خیلی تلاش کردم رمز عبور لپ‌تاپ و هارد را به دست آورم و محتوی داخل آن را ببینم، اما فایده‌ای نداشت و موفق نشدم رمز عبور آن را پیدا کنم تا اینکه وسوسه شدم و به تلفن همراه مالباخته تماس گرفتم تا به بهانه اینکه لوازم سرقتی را به او پس بدهم رمز عبور لپ‌تاپش را بگیرم. من قصد داشتم با به دست آوردن عکس‌های خصوصی از داخل لپ‌تاپ از او اخاذی کنم. من برای اینکه شناسایی نشوم با تلفن همراه نامزدم با شاکی تماس گرفتم که شناسایی و دستگیر شدم. تحقیقات از متهم به دستور قاضی میروکیلی ادامه دارد.

۱۹ سال زندان، مجازات مأموران قلابی

زن میانسال که با همدستی سه مأمور قلابی، مرد پولداری را ربوده بودند، محاکمه و به زندان محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار ما، اسفندماه سال ۹۴ مرد میانسالی نزد مأموران پلیس رفت و از سه مرد که خودشان را مأمور پلیس معرفی و از خانه‌اش پول و طلا سرقت کرده بودند، شکایت کرد. او گفت: به تازگی از سفر خارج برگشته بودم که سه مرد مقابل خانه‌ام آمده و خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند و اجازه خواستند خانه‌ام را تجسس کنند. وقتی مدارک خواستم توجه نکردند و وارد خانه شدند. آنها مقداری پول و طلا، ۱۲ هزار دلار، هزار و ۷۰۰ یورو و ۷۰۰ پوند را به همراه یک فقره چک ۲۵۰ میلیون تومانی را که از یک زن برای احداث پمپ بنزین گرفته بودم، برداشتند و بعد من را با زور سوار ماشینی کردند و بردند. آنها در راه با تهدید یک فقره چک سفید امضا هم از من گرفتند و بعد از آن مرا در حاشیه شهر پیاده کردند و متواری شدند.

بعد از طرح شکایت مأموران پلیس با بررسی تصاویر دوربین مداربسته مقابل خانه شاکی یکی از آنها را که از مجرمان سابقه‌دار بود، شناسایی و بازداشت کردند. مأموران با مشخصاتی که متهم در اختیارشان گذاشت دو همدست دیگر وی را بازداشت کردند. سه متهم به جرم خود اعتراف کردند و گفتند: ما برای کمک به زن میانسالی به نام شهره دست به این سرقت زدیم. یکی از متهمان در توضیح ماجرا گفت: چند ماه قبل با زن میانسالی آشنا شدم. مدتی که از آشنایی‌مان گذشت، گفت مرد پولداری به بهانه‌ای از من چک ۲۵۰ میلیون تومانی گرفته است و هرچه تلاش می‌کنم چک را برنمی‌گرداند. او ادامه داد: تحت تأثیر حرف‌های زن میانسال قرار گرفتم و قول دادم کمکش کنم. وقتی ماجرا را برای دوستانم تعریف کردم آنها نیز از روی دلسوزی! قول کمک دادند. روز حادثه با نقشه از پیش طراحی شده مقابل خانه شاکی رفتیم و خودمان را مأمور پلیس معرفی کردیم تا بتوانیم وارد خانه او شویم و چک زن میانسال را از او بگیریم. با ورود به خانه شاکی وسوسه شدیم و مقداری طلا و پول نیز برداشتیم.

با این توضیحات، مأموران زن میانسال را بازداشت کردند و شاکی بعد از شناسایی آن زن در توضیح دریافت چک ۲۵۰ میلیون تومانی گفت: این زن ادعا داشت که در سازمان‌های دولتی نفوذ خوبی دارد و افرادی را می‌شناسد که می‌توانند برای احداث پمپ بنزین کمک کنند.

او ۲۵۰ میلیون تومان برای احداث پمپ بنزین گرفت و در عوض یک فقره چک ۲۵۰ میلیون تومانی از او گرفتم، اما او خلاف ادعایی که داشت به وعده‌اش عمل نکرد. بعد از اقرارهای چهار متهم، شهره به جرم معاونت در آدم‌ربایی و سه مرد جوان به جرم مشارکت در آدم‌ربایی روانه زندان شدند و این پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات و بررسی‌های لازم برای رسیدگی و صدور حکم به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که به ریاست قاضی بابایی و مستشار تولیت برگزار شد، شاکی در جایگاه ایستاد و بعد از توضیح شکایت خود هر چهار متهم به دستور ریاست دادگاه ماجرا را بار دیگر شرح دادند.

در ادامه بعد از آخرین دفاع هیئت قضایی بعد از شور، شهره را به جرم معاونت در آدم‌ربایی و غصب عنوان به دو سال و سه ماه زندان و هر کدام از مأموران قلابی را به جرم مشارکت در آدم‌ربایی و غصب عنوان مأمور پلیس به پنج سال و شش ماه زندان محکوم کرد. رأی دادگاه از سوی قضات دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.

نجات از کوری با اجرای مراسم قسامه

مردی که متهم است در جریان یک نزاع مردی میانسال را کور کرده است، با اجرای مراسم قسامه رأی برائت گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، چهاردهم دی‌ماه سال ۸۹، مأموران کلانتری ۱۶ زیباشهر ورامین از قتل جوان ۲۴ ساله‌ای به نام سامان و زخمی شدن مرد ۴۴ ساله‌ای به نام محرم باخبر و در محل حاضر شدند.

یکی از شاهدان حادثه به پلیس گفت: نزاع بین عده‌ای از افراد دو طایفه اتفاق افتاد. آنها از سال‌ها قبل بر سر آب کشاورزی اختلاف دارند. امروز قرار بود درباره اختلاف حرف بزنند، اما حرف زدن آنها به مشاجره تبدیل شد. وقتی مشاجره بالا گرفت مردی به نام ناصر با چوب چند ضربه به سر سامان زد که او کشته شد. محرم هم در جریان درگیری یکی از چشم‌هایش کور شد. بررسی‌ها نشان داد مردی که محرم را هدف قرار داده، حیدر نام دارد.

در شاخه دیگری از تحقیقات احمد و حیدر بازداشت شدند. احمد در توضیح ماجرا گفت: هنگام درگیری به خاطر فحاشی طرف مقابل عصبانی شدم و با چوبدستی به آنها حمله کردم. از شدت عصبانیت اصلاً متوجه رفتارم نبودم که ناگهان چوب به سر مقتول خورد و او خونین روی زمین افتاد. حیدر اما در اولین تحقیقات اتهامش را انکار کرد، اما در بازجویی‌های بعدی قبول کرد که ضربه او منجر به کوری چشم محرم شده است. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس احمد را به اتهام مباشرت در قتل و حیدر را به اتهام کوری چشم شاکی مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. هیئت قضات احمد را به قصاص و حیدر را به پرداخت نصف دیه و شش ماه زندان محکوم کرد.

قضات دیوان عالی کشور با بررسی پرونده، رأی قصاص احمد را تأیید کردند. از آنجا که محرم از دادگاه درخواست قصاص چشم متهم را کرده بود، رأی را نقض کرد و برای برگزاری مراسم قسامه به همان شعبه ارجاع دادند. بر این اساس، شاکی باید ۲۵ نفر از بستگان نسبیاش را به دادگاه معرفی کند تا سوگند بخورند که ادعای شاکی در این‌باره که ضربه متهم باعث کوری او شده، درست است. روز گذشته بعد از تشکیل جلسه دادگاه، ۲۵ نفر از بستگان نسبی شاکی در دادگاه حاضر شدند، اما ۱۱ نفر از آنها گفتند حاضر به سوگند نیستند چون خودشان ندیده‌اند که حیدر ضارب بوده است، بلکه از زبان دیگران شنیده‌اند. هیئت قضات بعد از شور متهم را از اتهام خود تبرئه کرد.

قتل زن ناشناس در آلونک مخروبه

مرد معتادی که همراه زن جوانی برای مصرف مواد به آلونکی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران رفته بود، پس از مصرف مواد، زن جوان را به قتل رساند و از محل گریخت. بازپرس پرونده برای شناسایی قاتل فراری و مقتول ناشناس از مردم درخواست کمک کرد.

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه ۱۱ خردادماه سال گذشته بود که مأموران پلیس با تماس شهروندی از قتل زن جوانی در خیابان فدائیان اسلام در جنوب تهران باخبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که آلونکی مخروبه در نزدیکی پمپ بنزینی بود با جسد خونین زن ناشناسی روبه‌رو شدند که لحظاتی قبل از سوی مرد ناشناسی به قتل رسیده بود. پس از اعلام این خبر قاضی خرازانی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای شهرری همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حادثه حاضر شدند.

مأموران در محل حادثه تعدادی وسایل مصرف مواد مخدر شیشه کشف کردند که بررسی‌ها نشان داد مقتول ساعتی قبل همراه مرد ناشناسی برای مصرف مواد به این آلونک آمده است که پس از مصرف به دلیل نامعلومی مرد معتاد این زن را به قتل می‌رساند و از محل فرار می‌کند. مردی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: من نگهبان کارخانه‌ای در این نزدیکی هستم. ساعتی قبل در حال نگهبانی بودم که دیدم مردی همراه مقتول به این آلونک نزدیک و با کمک هم در آلونک را باز کردند و وارد آنجا شدند. خیلی کنجکاو شدم و به طرف آلونک رفتم که دیدم این زن و مرد در حال مصرف مواد مخدر هستند. از آنها خواستم آلونک را ترک کنند، اما قبول نکردند تا اینکه تهدید کردم موضوع را به پلیس خبر می‌دهم و پس از این به طرف کارخانه به راه افتادم. هنوز چند قدمی از آلونک دور نشده بودم که صدای دلخراشی از طرف آلونک به گوشم رسید. به سرعت به طرف آلونک رفتم که با جسد خونین این زن روبه‌رو شدم و مرد غریبه هم به سرعت از محل گریخت. مأموران در ادامه فیلم دوربین مداربسته‌ای که در نزدیکی محل حادثه نصب بود، بازبینی کردند.

فیلم صحنه وحشتناکی را ثبت کرده بود که نشان داد مرد ناشناس پس از رفتن نگهبان با چاقو به طرف زن ناشناس حمله می‌کند و چند ضربه به او می‌زند و از محل فرار می‌کند. در حالی که تحقیقات برای شناسایی متهم و مقتول هنوز از سوی مأموران پلیس آگاهی ادامه دارد، قاضی خرازانی دستور انتشار تصویر عامل جنایت و عکس چهره‌نگاری شده زن جوان را صادر کرد و از شهروندان خواست تا چنانچه اطلاعی از مخفیگاه قاتل فراری و هویت زن جوان دارند به اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران یا شعبه پنجم دادسرای شهرری مراجعه کنند.

بازداشت عامل شهادت مأمور پلیس در آبادان

مجرمی که فرار او در شهرستان آبادان شهادت یک مأمور پلیس را رقم زده بود، بازداشت شد.

چند روز قبل مأموران پلیس کلانتری ۱۸ آبادان از جریان یک سرقت باخبر و در محل حاضر شدند. مرد سارق که از حضور پلیس باخبر شده بود، از محل فرار کرد و مأموران وی را دنبال کردند. در جریان تعقیب و گریز بود که یکی از مأموران به داخل رودخانه بهمنشیر سقوط کرد و جان خود را از دست داد. بعد از آن، تلاش برای یافتن متهم به جریان افتاد. خانواده مرد سارق وقتی متوجه شدند که فرزندشان در جریان سرقت و شهادت پلیس نقش داشته مخفیگاه وی را در شهرک میثاق به مأموران نشان دادند. متهم وقتی مأموران را در یک قدمی خود دید با چاقو خودزنی کرد تا راهی برای فرار پیدا کند، اما بازداشت شد. سرهنگ سیدمحمد صالحی، جانشین فرمانده انتظامی خوزستان گفت: در حالی که تلاش‌ها برای یافتن پیکر پلیس فداکار ناکام مانده است، تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

آگهی دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۰۵۰۰۶۳۰ شعبه ۵ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۵۵۰۰۵۰۰۰۰۵ خواهان: آقای حسن پرویز فرزند دوست محمد به نشانی سیستان و بلوچستان، زاهدان، خ دانشگاه ۳ پلاک ۲۲ خوانده: آقای اسماعیل غلامیان محمودی فرزند ابراهیم به نشانی خواسته: مطالبه وجه به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های کارشناسی رای شورا: در خصوص دعوی آقای حسن پرویز فرزند دوست محمد به طرفیت آقای اسماعیل غلامیان محمودی فرزند ابراهیم به خواسته مطالبه وجه به مبلغ پنج میلیون و سیصد هزار ریال و کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی، ما حصل ادعای خواهان بدین شرح است که مبلغ فوق را بابت خسارت وارده توسط خوانده به اتومبیل اینجانب از وی طلبکارم لذا تقاضای محکومیت وی را به شرح دادخواست تقدیمی دارم. با عنایت به محتویات پرونده، ملاحظه نظریه کارشناس تامین دلیل و اینکه خوانده با وصف ابلاغ قانونی و اطلاع از دادرسی در جلسه رسیدگی حاضر نگردیده و لایحه‌ای نیز ارائه ننموده و دلیلی بر برائت ذمه خود تقدیم ننموده است. فلذا دعوی خواهان را وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۳۲۸ قانون مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی خوانده را به پرداخت مبلغ پنج میلیون و سیصد هزار ریال بابت اصل خواسته و مبلغ یکصد و چهل و شش هزار و دویست و پنجاه ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال بابت هزینه کارشناسی در حق خواهان محکوم می‌نماید. رای صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد. م‌الف: ۲۶۲

بشیر احمد موحد - قاضی شورای حل اختلاف شماره ۵ زاهدان